



نگاهی دیگر
به هوش‌های
چندگانه

ارتباط مؤثر با خود و دیگران

محمد نیرو^۱ و مسعود غفاری شریف^۲

سال ۱۹۸۳ هوارد گاردنر با رد دیدگاه مرسوم در مورد هوش که برای آن ماهیتی تک‌عاملی قائل است و اندازه آن را با هوش بهر (IQ) می‌سنجد، نظریه هوش‌های چندگانه را مطرح کرد. پس از آن، دانیل گلن^۱ در سال ۱۹۹۵ ایده هوش هیجانی^۲ و سپس EQ را مطرح نمود و در مصاحبه‌ای چنین اظهار کرد: «IQ در بهترین حالت خود فقط عامل ۲۰ درصد از موفقیت‌های زندگی است. ۸۰ درصد موفقیت‌ها به هوش هیجانی وابسته‌اند.»

اساس هوش هیجانی با توانایی درک خود و دیگران (خودشناسی و دیگرشناسی) مرتبط است. به عبارت دیگر، هوش هیجانی با هوش درون‌فردی و هوش میان‌فردی پیوندی عمیق دارد. بین نظریه هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی رابطه اعم و اخص حاکم است. بنابراین، توجه به مطالب این شماره می‌تواند علاوه بر رشد حرفه‌ای، رشد شخصی معلمان را نیز در پی داشته باشد.

هوش درون‌فردی^۳

این هوش به توانایی آگاه شدن از احساس‌ها، انگیزه‌ها و امیال خود، و استفاده از این شناخت درونی برای حل مسائل و کنترل شرایط اشاره دارد. به عبارت دیگر، توانایی ارزیابی قوت‌ها، ضعف‌ها، استعدادها، علاقه‌ها و به کارگیری آن‌ها برای رسیدن به اهداف و درک و شناخت خود در کمک به دیگران است. شکل ابتدایی این مؤلفه هوشی تشخیص احساسات خوشایند و ناخوشایند، و براساس آن تصمیم به درگیری با آن موقعیت یا کناره‌گرفتن از آن است و در بالاترین سطح، مجموعه‌ای از احساسات متمایز را شناسایی و به صورت پیچیده و عالی نمادگذاری می‌کند.

فردی که از این مقوله هوشی به میزان بیشتری برخوردار است، ظرفیت بالایی برای خلق الگوی صادقانه و دقیق از خود دارد. این افراد دنیای درونی خود را ترجیح می‌دهند. دوست دارند تنها باشند و غالباً احساس عمیقی از عزت‌نفس، استقلال و آرزوی قوی دارند و خود را برای انجام پروژه‌های مطالعاتی مستقل برمی‌انگیزند.

برخلاف برخی توصیفات در مورد این هوشمندان که اشخاصی منزوی، خجول و گوشه‌گیر تلقی می‌شوند، این افراد متفکر، مستقل، خودمدار و سیاست‌مدارند. قاطعانه از احساس، اعتقاد و انگیزه خود دفاع می‌کنند. مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند و محدودیت‌های خود را قبول دارند. در

۱. دکترای برنامه‌ریزی درسی
۲. معلم ریاضی، منطقه ۴ تهران



پی باز خورد اعمال خود در دیگران هستند. در حوزه‌ای که می‌دانند در آن ضعیف‌اند، فعالیت می‌کنند و از موفق نشدن سرخورده نمی‌شوند. ایشان بر هدف بزرگی که در سر می‌پروراند، پافشاری می‌کنند و در مباحث مورد اختلاف، به عقاید خودشان تأکید می‌ورزند.

دانش‌آموزان این گروه هوشی اعتماد کمی به دیگران دارند و اگر معلمان و بزرگ‌سالان حریم خصوصی آن‌ها را نقض کنند، مقاومت بیشتری نشان خواهند داد. از این رو، هوشمندان درون‌فردی گاهی برای معلمان چالش برانگیز می‌شوند. در این حال ضروری است محیطی امن و قابل اعتماد در کلاس ایجاد شود تا دانش‌آموزان باهوش درون‌فردی احساس راحتی کنند.

مهم است که به این‌گونه دانش‌آموزان در ایجاد عزت‌نفس و خودنگاره مثبت کمک شود. همچنین، باید فرصت‌هایی را فراهم آورد تا روی توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبتشان تمرکز بیشتری داشته باشند.

تجربه آقای غفاری در مورد ویژگی‌های هوشمندان درون‌فردی در مدرسه

- این دانش‌آموزان در بیان خواسته‌هایشان به معلم، فضای خصوصی و تنها با معلم را ترجیح می‌دهند، نه جمع هم‌کلاسی‌ها را! گاهی به صراحت می‌گویند: «آقا، به بچه‌ها بگویید بروند بیرون تا حرفم را بزنم!» همچنین، در بیان خواسته‌هایشان از معلم در خلوت، سماجت و اصرار زیادی دارند!

- به تحلیل رفتار خود می‌پردازند؛ به رفتارهای خود نمره می‌دهند و گاه در شکست‌ها قائل به تنبیه خود هستند! دانش‌آموزی داشتم که به دلیل اینکه سفارش پدرش در مورد نحوه استفاده از اسباب‌بازی مورد علاقه‌اش را رعایت نکرده و آن را خراب کرده بود، به من مراجعه کرد و درخواست اعمال تنبیه در مورد خودش را داشت!

- گاهی دادن آزمون در خلوت، مثلاً خارج از کلاس و بدون حضور دیگران، در کیفیت نتیجه آزمون ایشان مؤثر است!

- ممکن است به شرکت در بازی‌های جمعی شلوغ مثل فوتبال علاقه نداشته باشند و ترجیح دهند در بازی‌های دو نفره مثل پینگ‌پنگ یا بدمینتون شرکت کنند. یادمان باشد، این‌گونه دانش‌آموزان را به گوشه‌گیری و انزواطلبی متهم نکنیم!

توصیه‌هایی در مورد هوشمندان درون‌فردی

- در تعامل با ایشان، چه شفاهی و چه کتبی، مثل امضای آزمون‌ها یا دفتر یادداشت یا روزنگار، توانایی‌هایشان را به آن‌ها یادآور شوید و تشویق و تأییدشان بفرمایید.

- به نظرات و سلیقه‌هایشان احترام بگذارید تا در فضاهایی که در اقلیت هستند احساس بدی نکنند.

- اگر مایل بودند فعالیت‌هایی را که شما به شکل گروهی طراحی کرده بودید به صورت فردی انجام دهند، بپذیرید. مثلاً در

فعالیت جمعی تهیه روزنامه‌دیواری، ممکن است در گروه و در جمع فعالیت نکنند. اجازه دهید وظیفه یا نقش خود را در منزل انجام دهند.

- در صورتی که از نشستن در کنار بچه‌های شلوغ و پر حرف ناراحت‌اند، تا حد امکان جایشان را عوض کنید.

- در حد حوصله‌شان با ایشان گفت‌وگو کنید.

- در بحث‌های کلاسی هرگز جلوی جمع از ایشان نپرسید «چرا ساکت هستید؟» یا اینکه «شما هم حرفی بزنید!» بلکه بگویید «اگر شما هم نظری دارید، بفرمایید».

- نوشتن انشایی با موضوع «ویژگی‌ها یا خصوصیت اخلاقی خود را توصیف کنید»، فرصت خوبی برای تقویت هوش درون‌فردی برای همه دانش‌آموزان است.

- هرگز در حضور جمع ایشان را بازخواست نکنید یا به آن‌ها تذکر ندهید! در تنهایی و به‌طور خصوصی با ایشان صحبت کنید.

برای پاسخ سؤالاتان فرصت فکر کردن به ایشان بدهید. پس از گفت‌وگو از ایشان بخواهید قرارهای بین شما و خودشان را بنویسند.

هوش میان‌فردی^۴

هوش میان‌فردی یا بین‌فردی به توانایی تشخیص جنبه‌های ظریف رفتاری افراد، همچنین شناخت و درک نیت‌ها، انگیزه‌ها و خواسته‌های دیگران که به ارتباط مؤثر با آن‌ها منجر می‌شود اشاره می‌کند. این افراد از صحبت کردن با دیگران لذت می‌برند. به راحتی با دیگران مذاکره می‌کنند و مهارت رهبری دارند. در بسیاری از فعالیت‌ها توانایی برنامه‌ریزی دارند و می‌توانند مثل یک بازیکن به صورت تیمی عمل کنند.

دوستان زیادی دارند و در فعالیت‌های اجتماعی زیادی شرکت می‌کنند. با ارتباط برقرار کردن و شرکت در محیط‌های گروهی و همکاری بهتر یاد می‌گیرند. با دیگران همکاری می‌کنند و به خلق و خوی ایشان پاسخ می‌دهند. بازخورد سازنده را می‌پذیرند و بر مبنای آن عمل می‌کنند. در مواجهه با موقعیت‌ها، تا حد امکان اعتماد به نفس خوبی دارند. این افراد تلاش می‌کنند امور را از دیدگاه دیگران ببینند، به این منظور که بفهمند افراد چگونه فکر می‌کنند و چطور احساس می‌کنند. آن‌ها توانایی زیادی برای درک احساسات، مقاصد و هیجان‌ها دارند. سعی می‌کنند صلح و آرامش را در محیط‌های گروهی برقرار کنند و همکاری گروهی را تشویق کنند. از زبان کلامی (صحبت) و غیر کلامی (تماس چشمی و ادا و اطوار) برای برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌کنند. از ویژگی‌های این افراد استفاده از روش‌هایی برای کمک و حل مشکلات دیگران و درک نشانه‌های شخصیتی و تشویق و اثرگذاری بر افراد، برای رفتن به سوی هدف مشخص است. مشاهده امور از دیدگاه دیگران، کوشش برای همدلی و درک احساسات، هیجان‌ها و خلق‌های دیگران، تشخیص

مقاصد و امیال آن‌ها، و مشاوره و همکاری با گروه‌های گوناگون از دیگر ویژگی‌های این افراد است.

معلم به‌طور خاص با طراحی فعالیت‌های گروهی می‌تواند به این دانش‌آموزان کمک شایانی کند. گفتنی است در این خصوص معمولاً بدفهمی صورت می‌گیرد؛ گروهی از معلمان تصور می‌کنند به صرف کنار هم قرار دادن چند دانش‌آموز و مشخص کردن فعالیت مشترک، الزاماً یادگیری مشارکتی با تمامی فایده‌هایش عاید ایشان می‌شود. از این رو، برخی آفت‌ها از جمله حاشیه‌روی در گروه یا سواری مفت گرفتن برخی از اعضای گروه شکل می‌گیرد. بنابراین، لازم است ملاحظات این امر مورد توجه قرار گیرد. ملاحظاتی که در هشت یادداشت نگارنده با عنوان یادگیری تعاملی در شماره‌های رشد معلم سال ۹۶ به چاپ رسید و مجموعه آن را می‌توانید با استفاده از QR Code^۵ زیر دانلود کنید.



تجربه آقای غفاری در مورد ویژگی‌های هوشمندان میان‌فردی در مدرسه

■ غالباً در کلاس پر حرف هستند و بدون خجالت نظراتشان را در جمع مطرح می‌کنند.

■ خوش‌کلامی یکی از وجوه مشترک ایشان با بچه‌های دارای هوش کلامی است.

■ در حیاط مدرسه به‌راحتی با بچه‌ها، از جمله با دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، ارتباط برقرار می‌کنند.

■ چون اعتمادبه‌نفس بالایی دارند، اگر وارد مدرسه جدیدی شوند، زود با بچه‌های آن مدرسه دوست می‌شوند.

■ با راننده سرویس خود زود رفیق می‌شوند و با او مثل یک بزرگ‌سال گفت‌وگو می‌کنند.

■ برخلاف برخی بچه‌ها که فقط در حد نیاز با معلم مکالمه می‌کنند، ایشان معمولاً دوست دارند در ساعت‌های تفریح کنار معلم بمانند و با او صحبت کنند.

■ برای انتخاب نمایندگی کلاس زودتر داوطلب می‌شوند.

■ در درگیری‌های بین بچه‌ها در بازی‌هایی مانند فوتبال زود وارد می‌شوند و به حل و فصل دوستانه آن میل دارند.

■ هنگامی که یک دانش‌آموز در مدرسه صدمه می‌بیند، زود به سمت او می‌روند و ضمن نشان دادن او یا زدودن خاک از لباس او، با وی هم‌دردی می‌کنند و او را به دفتر یا اتاق بهداشت مدرسه می‌رسانند.

■ در سرویس‌های مدرسه مثل مینی‌بوس، نشستن در مرکزیت بچه‌ها را نسبت به نشستن در گوشه ترجیح می‌دهند.

■ هنگامی که در سطح مدرسه مشکلی جدی پیش می‌آید و کار از حیطة اختیار معلم خارج است، داوطلب مراجعه به مدیر و طرح گزارش یا شکایت از طرف دوستان خود هستند.

■ در بحث‌های گروهی دانش‌آموزی معمولاً مدیریت گروه را در دست می‌گیرند.

نحوه برخورد با هوشمندان میان‌فردی در مدرسه

■ از آنجا که بهتر است قسمتی از فرایند تدریس به شکل گروهی باشد، به این بچه‌ها نقش پررنگ‌تری در گروه داده شود تا گروه را مدیریت کنند.

■ در صورتی که بین دانش‌آموزان اختلافی پیش آید، برای میانجیگری یا مصالحه بین بچه‌ها به ایشان آموزش و مسئولیت بدهیم.

■ می‌توانند در مدرسه کمک ناظم یا یاور ناظم باشند و به‌خصوص بین بچه‌های کوچک‌تر نظامت کنند.

■ در واحد بهداشت مدرسه یاور و کمک کار مسئول بهداشت باشند.

■ در توزیع کاربرگ‌ها بین دانش‌آموزان نقش داشته باشند.

■ در مراسم عمومی مدرسه و تجمعات دانش‌آموزی در سالن یا آمفی‌تئاتر مدرسه، از ایشان به‌عنوان مجری برنامه استفاده شود.

■ در مراسمی که از بیرون مدرسه مهمان دعوت می‌شود، مثل نمایشگاه‌ها و جلسات ارائه کار دانش‌آموزی، از این قبیل بچه‌ها برای خوشامدگویی و راهنمایی مهمانان استفاده شود.

■ در ساعات تفریح، با آموزش‌های قبلی و دادن روپوش‌های مخصوص، از این‌گونه بچه‌ها برای تخلیه کلاس استفاده شود.

سخن پایانی

با توجه به توضیحاتی که درباره هر دو هوش درون‌فردی و میان‌فردی داده شد، بهتر است در فرایند آموزش شرایطی را مهیا کنیم که همه دانش‌آموزان خصوصیات و مقتضیات هر هوش را به‌طور هم‌زمان یاد بگیرند. زیرا در شرایط طبیعی در موقعیت‌هایی قرار خواهند داشت که به سرعت نیازمند تغییر موقعیت خود از هوش درون‌فردی به هوش میان‌فردی و برعکس خواهند بود. مهم است دانش‌آموزان توانایی برقراری ارتباط میان‌فردی، کار مشارکتی و مبتنی بر همکاری با دیگران را داشته باشند. البته باید این توانایی را نیز داشته باشند که در برخی موارد به تنهایی و مستقل کار خود را پیش ببرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Daniel Goleman
2. Emotional intelligence
3. Intrapersonal intelligence
4. Interpersonal intelligence
5. <http://yon.ir/spjk2>